تواتر استقبالی و نمود آن در قرآن

آن چیزی که می‌خواهم امروز عرض کنم این است: ما یک تواتری داریم که اَبَرَ لفظی است، فوق تواتر لفظی است. در مقامی که تواتر لفظی را توضیح دادم، گوینده که حرف می‌زد درست است که مقام مهمی بود و مردم هم به لفظ او توجه کردند اما متکلم همچنان در مقام القاء معنا است ولی معنا طوری است که لفظ را همراه معنا جا می‌اندازد. آن چیزی که الآن می‌خواهم عرض کنم این است: ما مقاماتی داریم که گوینده تنها به القاء معنا نظر ندارد. حتماً خود گوینده به الفاظ عنایت دارد. یعنی گوینده هر دو را نگاه می‌کند و القاء می‌کند.

مثال خیلی روشن آن شعر است. روشن‌ترین مثالش شعر است. شاعر که شعر می‌گوید تنها نمی‌خواهد که معنا را بگوید، حتماً قالب لفظ و وزن آن و کلماتش دخالت دارد. خب اگر در اینجا شعر بخواهد متواتر باشد نمی‌گوییم متواتر لفظی است. چرا؟ به تعبیری که عرض می‌کنم، چون ملقی به رابطه لفظ و معنا نظر دارد، و دال را صرفاً به‌عنوان فانی در معنا ملاحظه نکرده، بلکه هر دو را در نظر دارد، در اینجا در فضای علوم انسانی چیزی تشکیل می‌شود که اسم آن را هویت شخصیتی می‌گذاریم. چندبار دیگر عرض کردم. یعنی این لفظ و این معنا به این صورت به هم جوش نخورده اند که در یک مجلسی آنها را القاء کنند و تمام شود، در شعر بعد از اینکه گفته شد یک هویت پیدا می شود. هویتی که بعد از گفته شدن، دیگر این قصیده شناخته می‌شود. وقتی دیگران می‌خوانند و خواست که متواتر شود، باید لفظ و معنا با هم نقل پیدا کنند. حالا شما اسم این را هر چه می‌خواهید بگذارید. فعلاً ما اسم این را تواتر فوق لفظ، تواتر ادبیاتی، بلاغتی می‌گذاریم. یک واژه‌ای پیدا کنیم که مقصود را به‌خوبی برساند.

من عرض کردم که در قرآن کریم همه انواع تواتر را داریم. قرآن کریم شعر نیست اما به مراتب از شعر بالاتر است. یعنی تمام کلمات قرآن کلمات ملک وحی است. کلمات خدا است. بر پیامبر خودش انزل کرده. شعر کجا و این کجا؟ پس به الفاظ آن اتم عنایت شده. نمی‌گوییم قرآن می‌خواهد یک پیامی برساند، همان پیام را بگو و تلاوت به معنا بکن یا نقل به معنا بکن. نه، الفاظ دخیل هستند. خدا رحمت کند! آقای دکتر سید رضا پاک نژاد بودند. رحمت الله علیه! به مدرسه می‌آمدند. من این را از خود ایشان شنیدم. ایشان از وجودهای انزنین بود. می‌گفت من نوسنده هستم. خیلی زیبا گفت. با اینکه سن ما کم بود همینطور یادم ماند. می‌گفت من نوسنده هستم. شبانه‌روز می‌نوشت. شاید سی و هفت جلد کتاب دارد. مثلاً کتاب اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ایشان بالای سی جلد است. مظلومی گمشده در سقیفه متعدد است. می‌گفت من نوسنده هستم و مرتب می‌نویسم. تجربه مکرری دارم. تا می‌خواهم به معنا فکر کنم عبارت خراب می‌شود. تا می‌خواهم عبارت را درست کنم معنا خراب می‌شود. خدا رحمتشان کند! گفت اصلا نمی‌شود. تا می‌خواهی عبارت را درست کنی معنا صدمه می‌بیند. می‌خواهی معنا را القاء کنی می‌بینی عبارت خراب می‌شود. گفت این اعجاز قرآن کریم است؛ معنا در حد اعلی و لفظ هم در حد اعلی است. یعنی خدای متعال به لفظ عنایت دارد. این جور نیست که تنها یک معنا القاء کرده باشد و خلاص! بلکه خدای متعال به الفاظی که در قرآن آمده هم عنایت دارد.

بنابراین ما یک تواتر این چنینی داریم که فوق لفظ است. می‌توانیم بگوییم تواتر لفظ محور است. یا لفظ و معنا محور. یا یک واژه‌ای پیدا کنیم که اینها را برساند. خلاصه خود ملقی و القاء کننده کلام لفظ را فانی در معنا قرار داده. بلکه عنایت و نگاه استقلالی هم به آن دارد. این هم یک نوع تواتر است.

شاگرد: تواتر لفظی به این صورت نیست؟

استاد: نه، مثلاً حضرت که فرمودند: «من کنت مولاه فعلی مولاه» می‌خواستند یک مقصودی را القاء کنند. به‌خصوص کلمه «من» و وزن آن توجه داشتند. لذا مقصود را القاء کردند اما چون مقام، مقام مهمی بود عین الفاظ حضرت ماند. ولی مقصود حضرت گفتن کلماتی نبود که اگر مثلا « کنت» آن تغییری کرد و به این صورت شد «من کان انا مولاه» بگوییم خراب شد. اما کسی که می‌خواهد شعر بگوید یا قرآن کریم باید هر چیزی از آن به‌صورت همانی باشد که ملک وحی آورده است. این دو خیلی تفاوت می‌کند.

شاگرد: مثال عرفی تواتر لفظی شهادت و اقرارهای دادگاه است.

استاد: یعنی عین لفظ را کار دارند . او القاء معنا می‌کند ولی دیگری از او استفاده می‌کند ولو او تنها لفظ را در معنا افناء کرده بود.

بنابراین مطلب امروز تقسیم تواتر لفظی و معنوی به تقسیم ثلاثی شد. تقسیم جایی که القاء کننده کلام نظر به الفاظ دارد. حال سؤال این است که وقتی سومی متواتر می‌شود تواترش به همان نحو تواتر لفظی است؟ یا به مراتب بیش از آن است؟ اگر بیشتر است چرا به این صورت است؟ چرا در اینجا تواتر قوی‌تر است؟

ان شالله اگر زنده بودیم تقسیم‌بندی بعدی را فردا می‌گوییم.

شاگرد: شعر معنایی است که در قالب الفاظ و وزن است، اما قرآن خیلی بالاتر از آن است.

استاد: درست است، ما همه اینها را جدا می‌کنیم. اتفاقا هر تقسیم‌بندی‌ای که غرض علمی دارد، خوب است. به فرمایش شما بعداً می‌گوییم حتی شعر هم تفاوت دارد، قیاس مع الفارق است و قرآن بالاتر است. بعداً در آن مقاماتی که می گوییم، می‌بینید اصلاً ریخت تواتری که در قرآن کریم محقق شده ریختی است که آدم باورش نمی‌شود... .

بازبینی #2
ایجاد شده 4 آوریل 2024 09:19:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 16 مه 2024 10:02:00 توسط ... .